

تحلیل جامعه‌شناختی ابعاد محرومیت اجتماعی و تأثیر آن بر عهدشکنی زنان (مورد مطالعه منطقه ۲۲ شهر تهران)

جلال یوسفی^۱، محمدمهدی یوسفی^۲

^۱ مدرس دانشگاه، پژوهشگر مطالعات توسعه روستایی (نویسنده مسئول)

^۲ دانش‌آموخته جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه و پژوهشگر مسایل اجتماعی

چکیده

مهمترین تجربه‌های انسانی که اساسی‌ترین عوامل شکل‌دهنده شخصیت‌اش محسوب می‌شود، در درون خانواده نمود پیدا می‌کند و آموختن زبان، آداب و رسوم و برقراری روابط اجتماعی، ظهور افکار و اندیشه‌ها و همچنین جهت‌دهی به شخصیت انسان هم از خانواده شروع می‌گردد. به همین دلیل خانواده تأثیر عمیقی بر دیگر نهادهای اجتماعی خواهد گذاشت. پژوهش حاضر ضمن بررسی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده محرومیت اجتماعی زوجین عهد شکن در منطقه ۲۲ تهران، با هدف تحلیل جامعه‌شناختی و ابعاد محرومیت اجتماعی و تأثیر آن بر عهدشکنی زنان به بررسی عوامل مؤثر محرومیت اجتماعی در میان این افراد پرداخت. در این مقاله با استفاده از روش داده بنیاد، مصاحبه، مشاهده و بحث گروهی با ۱۸ نفر از افراد مورد مطالعه استفاده گردیده و با روش گزینشی نسبت به انتخاب نمونه‌های آماری تا مرحله اشباع نظری در داده‌ها پرداخته و پس از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده در میدان از طریق کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) مقوله مرکزی «محرومیت اجتماعی»، استخراج گردید و در یک مدل پارادایمی قرار داده شد و تحلیل گردید. بر اساس این مطالعه ابعاد محرومیت اجتماعی عبارت‌اند از: بعد مادی محرومیت، بعد آموزشی محرومیت، محرومیت از اوقات فراغت، محرومیت از شبکه روابط اجتماعی و محرومیت از مشارکت اجتماعی، که این عوامل موجب عهد شکنی زنان مورد مطالعه گردیده است. در پایان عناصر محرومیت اجتماعی به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از میدان پژوهش با مطالعات موجود مقایسه گردید.

واژه‌های کلیدی: محرومیت اجتماعی، بعد مادی محرومیت، محرومیت آموزشی، محرومیت از اوقات فراغت، محرومیت از شبکه روابط اجتماعی

مقدمه

نهاد خانواده با توجه به کارکردها و نقش‌های مختلفی که بر عهده دارد در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی ایفا می‌کند، چراکه انسان در درون خانواده متولد شده، رشد یافته و بسیاری از مفاهیم را از خانواده می‌آموزد و همواره با آن سروکار دارد. مهم‌ترین تجربه‌های انسانی که اساسی‌ترین عوامل شکل دهنده شخصیت اش محسوب می‌شود، در درون خانواده نمود پیدا می‌کند و آموختن زبان، آداب و رسوم و برقراری روابط اجتماعی، ظهور افکار و اندیشه‌ها و همچنین جهت‌دهی به شخصیت انسان هم از خانواده شروع می‌گردد. به همین دلیل خانواده تأثیر عمیقی بر دیگر نهادهای اجتماعی خواهد گذاشت. محرومیت اجتماعی^۱ به معنای کاهش یا جلوگیری از تعاملات معمولی فرد و جامعه نیست. وجود مشکلات و مسایل مادی و اجتماعی شرایط این نهاد را در معرض خطر قرار داده است و آن‌چه معضل بسیاری از خانواده‌های ایرانی، در کنار اعتیاد و طلاق است، اپیدمی خیانت یا عهدشکنی زن و شوهر در خانواده‌ها به صورت آشکار یا پنهان است و آن‌چه مهم است، بحث فراگیر شدن این مسئله در جامعه امروز و کاستن از قبح این پدیده در طی دهه‌های اخیر است. محرومیت اجتماعی به عنوان واقعیتی جدید همواره مورد توجه اندیشمندان اجتماعی-اقتصادی و جامعه‌شناسان بوده است، اما در دهه‌های ابتدایی قرن بیستم پس از پیدایش بحث‌های اقتصادی و توسعه اجتماعی، به صورت مشخص‌تر با طرح مسایل مربوط به دولت رفاه و رفاه اجتماعی مورد تامل بیشتر واقع شده و ادبیات گسترده‌تری را به خود اختصاص داده است [۱].

به‌طور کلی بررسی‌ها نشان می‌دهد که خانواده امروزه ایرانی در قیاس با خانواده ایرانی قدیم بسیار آسیب پذیر شده است. پدیده شکاف نسلی^۲ و گسترش تفاوت سبک زندگی‌ها سبب پدید آمدن فاصله اجتماعی در خانواده شده و محرومیت‌های نسبی موجود در خانواده‌ها بستر محرومیت اجتماعی را ایجاد کرده است و وجود روابط عاطفی کم‌رنگ، نارضایتی شغلی و بیکاری، انتخابی رفتار کردن زوجین، عدم ارضاء نیازهای فردی در خانواده و...، همگی در شکل‌گیری زنان و مردان عهدشکن سهیم بوده است.

منطقه ۲۲ تهران بزرگ، به علت وجود مهاجرین فراوان از شهرهای مختلف کشور به این منطقه و اسکان خانواده‌های متعدد از گروه‌ها و اقوام مختلف، ازدواج‌هایی که در نتیجه این مهاجرت‌ها به وجود آمده است، جمعیتی متشکل از انواع قشرهای مختلف با آداب و رسوم متنوع را به وجود آورده است که همین تنوع و اختلاف قومیتی-فرهنگی یکی از مهم‌ترین عوامل بروز ناسازگاری زناشویی، عدم رضایتمندی از زندگی و عدم درک متقابل زوجین است که باعث عهدشکنی و یا خیانت یکی از زوجین و یا هردو می‌گردد.

عهدشکنی، عاملی است که در سال‌های اخیر بیشترین علت مراجعین متقاضی طلاق به دادگستری و اورژانس اجتماعی را به خود اختصاص داده است و درصد قابل توجهی از طلاق‌های صورت گرفته در نتیجه عهدشکنی زوج یا زوج و یا متأسفانه هردو بوده است. به خوبی قابل مشاهده است که برخی رفتارها تحقیرها، اجحاف و یا از بین رفتن شخصیت^۳ و پرستیژ اجتماعی^۴ افراد و یا در ساده‌ترین حالت مشکلات اقتصادی و ورشکستگی‌های مالی باعث نارضایتی از زندگی شده و آن را دچار بحران نموده است. با توجه به میزان مهارت‌های فردی اجتماعی و نوع تربیت و شخصیت افراد و...، فاصله‌گیری عاطفی رخ داده است و زوج و یا زوجین وارد رابطه‌ای خارج از چارچوب خانواده شده گاهی این رابطه چندین سال قدمت دارد در نهایت

^۱. Social exclusion

^۲. Breach of covenant

^۳. Generation gap

^۴. Personality

^۵. Social prestige

وقتی رازگونی آن برملا شد، خانواده دچار دستخوش و فروپاشی می‌شود. با توجه به تأثیر روحیه و شخصیت و شرایط اجتماعی، این تحقیق به دنبال شناسایی و تأثیر اهمیت مفهوم محرومیت اجتماعی در گرایش زنان در عهد شکنی است. چرا که بستر محرومیت‌ها و ایجاد عقده‌های حقارت در فرد سبب می‌شود که به عهد بسته شده خیانت کند و در صدد ارضای نیازهای خود در شرایط دیگر باشد.

بر این اساس پژوهش حاضر در صدد پاسخ گویی به این سوال اساسی است که آیا محرومیت اجتماعی بر عهد شکنی زنان تأثیر گذار است؟ این محرومیت دارای چه ابعادی است و چگونه بر عهد شکنی زنان تأثیر می‌گذارد؟

اهمیت موضوع

علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی که میان جوامع انسانی وجود دارد، مسئله عهد شکنی یا خیانت در روابط زناشویی در اغلب جوامع مذموم و غیر اخلاقی تلقی می‌شود. در کشور ما نیز مذهب و عرف جامعه این مسئله یک امر یا مسئله شخصی یا خصوصی تلقی نمی‌گردد و به آبرو و حیثیت اجتماعی افراد گره زده می‌شود. خیانت در رابطه زناشویی به معنی شکسته شدن عهد و پیمانی است که با ازدواج میان زوجها شکل می‌گیرد و رابطه عاطفی و جنسی میان آنان پدید می‌آید [۲]. بنابراین، اگر یکی از زوجین (در این جا زن) با فردی به غیر از شریک زندگی اش وارد رابطه جنسی یا حتی عاطفی شود، مرتکب عهد شکنی یا خیانت شده است. آن‌چه در شرایط فعلی جامعه بستر این نوع خیانت را در خانواده‌ها باز کرده است و کمتر مورد توجه قرار گرفته، محرومیت اجتماعی است. محرومیت از شرایط شغل مناسب، رفاه مادی، قدرت تصمیم گیری در شرایط عمومی و خصوصی. این بسترها ذهنیتی را برای فرد عهد شکن بوجود می‌آورد که تاب تحمل عهد بسته شده، رابطه ای کاملاً انحصاری و خصوصی، را ندارد و به دنبال کاهش این محرومیت در روابط جدید است.

در زمینه محرومیت اجتماعی تاکنون تحقیقاتی که به انجام رسیده است در حوزه فقر و عوامل مادی موثر بوده است، ولیکن عوامل غیر مادی و اجتماعی چون نارضایتی از موقعیت و پرستیژ اجتماعی و خانوادگی، میزان قدرت تصمیم‌گیری و قرار دادن افراد و شرایط محیطی در معرض مقایسه اجتماعی و...، که نقش به‌سزایی در پتانسیل شرایط عهد شکنی در نهاد خانواده دارد، کمتر بر شرایط خیانت و عهد شکنی زن مورد بررسی قرار گرفته، همچنین گسترش عهد شکنی و خیانت زنان در منطقه ۲۲ شهر تهران به عنوان یک منطقه بزرگ از پایتخت کشور نیاز به بررسی و تحلیل جامعه شناختی عوامل ایجاد کننده آن است. بنابراین، بررسی این موضوع حائز اهمیت است.

اهداف کلی

هدف کلی این پژوهش، بررسی تأثیر محرومیت اجتماعی بر عهد شکنی زنان و مردان در منطقه ۲۲ تهران و تحلیل جامعه شناختی آن است.

اهداف جزئی

۱- شناسایی مؤلفه‌های تشکیل دهنده محرومیت اجتماعی زوجین عهد شکن در منطقه ۲۲ تهران

۲- شناسایی عوامل تأثیر گذار بر محرومیت اجتماعی زوجین عهد شکن در منطقه ۲۲ تهران

سؤال اصلی

محرومیت اجتماعی چه تأثیری بر عهدشکنی زنان در منطقه ۲۲ تهران دارد؟

سؤال‌های جزئی

۱- مؤلفه‌های تشکیل دهنده محرومیت اجتماعی زوجین عهد شکن در منطقه ۲۲ تهران چیست؟

۲- عوامل تأثیر گذار بر محرومیت اجتماعی زوجین عهد شکن در منطقه ۲۲ تهران چیست؟

پیشینه تحقیق

بیرس^۳ در تحقیق خود نشان داد نگرش‌های حاصل از مشاهده رفتارهای عهدشکنانه در محیط زندگی در سنین پایین بر رفتارها و نگرش‌های فرد در قبل بعد از ازدواج تأثیر می‌گذارد. هر چه افراد به ازدواج نگرشی لیبرال‌تر داشته باشند، تعهد کمتری به زندگی زناشویی دارند و نگرش مثبتی نسبت به روابط خارج از ازدواج خواهند داشت. سیمونا سیوتالس (۲۰۱۰) در یک مطالعه میان فرهنگی در باب فرودستی زنان و آثار و عوارض ناشی از فرودستی در کشورهای تایلند، لهستان، بلغارستان، یونان و مصر نشان می‌دهد که اولاً فرودستی زنان علی‌رغم سطح توسعه یافتگی، موقعیت جغرافیایی، خصوصیات ملی و ویژگی‌های فرهنگی این جوامع امری بالنسبه شایع و جهان‌شمول است و دوم این‌که با وجود تفاوت در صورت‌ها، میزان و شدت، شیوع و گستره و آثار و عوارض فرودستی زنان در این کشورها، زنان در مقایسه با مردان در این جوامع در موقعیت‌های نازل‌تر و پست‌تری نسبت به مردان قرار دارند. همچنین، یافته‌های سیوتالس نشان می‌دهد که عمده‌ترین زمینه‌ها و حوزه‌هایی که زنان این کشورها، فرودستی، نابرابری و تبعیض را تجربه می‌کنند فرصت‌ها و موقعیت‌های رقابت و موفقیت، کار و شغل، تحصیلات، مالکیت، ارث، فعالیت اقتصادی و تصمیم‌گیری است [۴]. ویتسون و ویلشیک^۵ [۵] در پژوهشی به بررسی رابطه بین عوامل شخصیتی براساس آزمون پنج عاملی شخصیت و رضایتمندی زناشویی با احتمال عهدشکنی در رابطه‌ی زناشویی پرداختند. آن‌ها دریافتند افراد دارای سبک‌های شخصیتی تکانشی، افراد با اعتمادپذیری پایین و وجدان‌گرایی کمتر به احتمال بیشتری درگیر روابط فرازناشویی می‌شوند. برند، مارکی، میلز و هادگس (۲۰۰۷) دریافتند که زنان بیش از مردان، پس از بی وفایی و خیانت به همسر به منظور ایجاد روابط جدید، به زندگی زناشویی قبلی خود خاتمه دادند و علت عدم پایداری آنان احساس ناخشنودی و نارضایتی از روابط زناشویی بود [۴].

به عقیده مائو^۶ [۶] از جمله عوامل عهدشکنی زوجین عبارتند از: فقدان محبت، از دست دادن علاقه و مراقبت از یکدیگر، تفکیک ارتباطات مربوط به نیازهای عاطفی و رابطه ای، مسائل مربوط به سلامت جسمی، مانند درد مزمن یا ناتوانی، مسائل بهداشت روان شامل افسردگی، اضطراب، اضافه نگرانی، ناتوانی در یادگیری یا اختلال دو قطبی، اعتیاد، از جمله اعتیاد به رابطه جنسی، قمار، مواد مخدر یا الکل و مشکلات زناشویی بدون دردمر که سال‌ها بنا شده است.

فرهمنده و فروزنده مقدم [۷] در پژوهشی بیان می‌دارد محرومیت اجتماعی، واقعیتی است که برخی افراد به اندازه قابل توجهی بیشتر از دیگران در معرض آن هستند. در این میان، گروه‌های جمعیتی متشکل از دختران مجرد در نواحی روستایی، کسانی

۳. Byers

۵. whitson, S., & El-Sheikh

۶. Mao

هستند که به شدت از محرومیت اجتماعی آسیب می‌بینند. محرومیت اجتماعی در شش بعد محرومیت از ازدواج، محرومیت از شبکه روابط اجتماعی، محرومیت از مشارکت اجتماعی، محرومیت آموزشی، محرومیت اوقات فراغت، و محرومیت فکری، سنجیده شده است. بیشترین محرومیت در بعد محرومیت از ازدواج و کمترین محرومیت در بعد محرومیت اوقات فراغت مشاهده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای مورد بررسی نگرش سنتی والدین، نابرابری جنسیتی، منابع در دسترس اقتصادی - اجتماعی محیط، تحصیلات، و درآمد، با متغیر محرومیت اجتماعی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش در تاج و همکاران [۸] نشان داد بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی در دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد. بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با خیانت زناشویی در دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد. خزان و وثوقی [۹] در پژوهشی می‌گویند تأثیرات مردسالاری بر احساس محرومیت نسبی، احساس بیگانگی از خود و احساس بیگانگی از زندگی زناشویی را در زنان متأهل بسنجد. یافته‌های تحقیق نشان داد: میان متغیرهای مردسالاری در خانواده و احساس محرومیت نسبی زنان، متغیرهای مردسالاری در خانواده و احساس بیگانگی زنان از خود، مردسالاری در خانواده و احساس بیگانگی زنان از زندگی زناشویی، احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی از خود در زنان و میان احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی از زندگی زناشویی در زنان رابطه معنی داری وجود دارد. حبیبی عسکر آبادی و حاجی حیدری [۱۰] در پژوهشی به بررسی علل فردی - خانوادگی - اجتماعی خیانت زنان پرداخته است و عدم برآورده شدن نیازهای شخصی و عاطفی، اجتماعی مورد تحقیق واقع شده است و نهایتاً راهکارهایی جهت پیشگیری از خیانت زنان ارائه شده است. نتایج نشان پژوهش جمع آور و همکاران [۱۱] داد که محرومیت عاطفی و نوازشگری هر دو رابطه‌ای معنادار با رضایت زناشویی داشته و قدرت پیش بینی معناداری نیز برای متغیر رضایت زناشویی دارند. با این تفاوت که محرومیت عاطفی، رابطه ای معکوس و نوازشگری رابطه ای مستقیم با رضایت زناشویی دارند. اشتی مهرجردی و همکاران [۱۲] بیان می‌دارند، مهم‌ترین متغیرها متغیر منطقه محل سکونت است به تنهایی حدود ۴۵٪ از تغییرات متغیر وابسته (محرومیت اجتماعی) را تبیین کرده است. فتحی و همکاران [۱۳]، در پژوهشی در جهت پیشگیری و کاهش بی وفایی زناشویی و استحکام خانواده‌ها عوامل زمینه ساز بی وفایی مردان را مشکلات جنسی و عاطفی در روابط زناشویی، تنوع طلبی، هیجان خواهی، اثبات مردانگی، تجارب رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج، ازدواج موقت، تأثیر ماهواره و... شناسایی کرده بیان کرده‌اند میزان بی وفایی زناشویی در ده سال اول ازدواج اتفاق افتاده است و مشاغلی که ارتباط زیادی با جنس مخالف دارند بیشتر است.

صالح آبادی [۴]، در پژوهشی بیان می‌دارد که با افزایش رضایت زناشویی، رابط فراز ناشویی کاهش می‌یابد. در حالی که بین رسانه و روابط فرازناشویی با افزایش استفاده از رسانه، روابط فرازناشویی هم زیاد می‌شود. با کاهش میزان دینداری فرد، روابط فراز ناشویی افزایش می‌یابد. با بررسی متغیرهای زمینه‌ای، هم‌چنین بین زنان و مردان، از لحاظ تمایل به روابط فرازناشویی تفاوت معناداری پیدا نشد و نیز میان نوع شغل و تحصیلات از نظر تمایل به روابط خارج از زناشویی، رابطه معناداری یافت نشد. در صورتی که هر چه مصرف الکل و ارتباط صمیمانه با نفروم و ارتباط با دوستان زیاد شود، تمایل به این روابط نیز افزایش پیدا می‌کند.

غفاری و تاج‌الدین [۱] در پژوهشی بیان شاخص‌های محرومیت اجتماعی را عبارت از بیگانگی اجتماعی، احساس شهروندی، تعامل اجتماعی و رضایت از زندگی معرفی می‌کند. این مولفه‌ها با دیدگر دارای تجانس و سازگاری درونی بوده که در مجموع سازنده سازه محرومیت اجتماعی هستند.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش نظریه داده بنیاد و تکنیک‌هایی چون؛ بحث‌های گروهی، مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده گردید. برای جمع آوری داده‌ها از میدان، ابتدا افراد مطلع با موضوع شناسایی شدند و برای آشنایی با منطقه مورد مطالعه و مشخصات افراد و... یک پیمایش اولیه صورت گرفت. پس از بسترسازی و برنامه‌ریزی، بر اساس سؤال‌های از پیش طراحی شده مصاحبه با اولین نفر شروع گردید. البته در طول مصاحبه بر تعداد این سؤال‌ها به تناسب موضوع افزوده می‌گردید. در مصاحبه با افراد از تکنیک گزینشی استفاده شد که مصاحبه در نفر هیجدهم به اشباع نظری رسید. پس از گردآوری داده‌های خام از میدان از طریق مصاحبه، مشاهده، ضبط صدا و غیره، داده‌ها استخراج و در جداولی تنظیم گردید. سپس برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام، از اصول کدگذاری یعنی «پرسیدن» و «مقایسه کردن» استفاده شد. در اولین مرحله برای دستیابی به مفاهیم، در کدگذاری باز، داده‌ها شکسته شده و بر اساس وجه تمایز میان داده‌ها و نیز تشابهات داده‌ها در دسته‌بندی جدیدی به مفاهیم تبدیل شدند. سپس برای رسیدن به قضایا، ابتدا بر همان رویه قبل، مفاهیم به خرده مقولات تبدیل و در ادامه بر همان اساس، مقولات خرد به مقولات گسترده تبدیل شدند.

در مرحله بعدی برای برقراری ارتباط میان مقولات فرعی به مقولات اصلی‌تر از کدگذاری محوری استفاده شد. این عمل شامل فرآیند پیچیده تفکر استقرایی و قیاسی است که طی چند مرحله انجام گرفت. این عمل بر اساس یک مدل پارادایمیک و به کارگیری عناصری چون شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله گر، راهبردهای کنش/واکنش متقابل و پیامدها صورت می‌پذیرد. در واقع در الگوی پارادایمی، مقولات به دست آمده در کدگذاری باز، در نظامی منطقی قرار داده شده و ارتباط آن‌ها با هم مشخص می‌گردد [۱۴]. در این در کدگذاری پنج مدل پارادایمی پدیده بعد مادی محرومیت اجتماعی، پدیده محرومیت از شبکه روابط اجتماعی، پدیده محرومیت از مشارکت اجتماعی، محرومیت آموزشی و پدیده محرومیت از اوقات فراغت ساخته شد و سپس بر اساس اصول حاکم بر کدگذاری در نظریه بنیانی برای دستیابی به پدیده محوری یا هسته‌ای از کدگذاری انتخابی استفاده شد. کدگذاری انتخابی، کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. در این مرحله، پژوهشگر در نقش نویسنده ظاهر شد و با روایت داستان، کار را ادامه داد. در روایت داستان شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌گردد و در فرآیند روایت داستان مقوله محوری کشف و ارتباط آن با سایر مقولات در قالب مدل پارادایمی برای اعتبار بخشیدن به روابط در تقابل با داده‌های خام، پرکردن جاهای خالی و تکمیل مقوله‌های فرعی و توضیح خط اصلی داستان مشخص می‌گردد [۱۵].

حوزه جغرافیای تحقیق: منطقه مورد مطالعه این پژوهش، منطقه ۲۲ تهران بزرگ است.

جامعه مشارکت کنندگان: جامعه مشارکت کنندگان، ۱۸ نفر از زنان منطقه ۲۲ تهران بزرگ است.

مشخصات جمعیتی مشارکت کنندگان

در خصوص توزیع سنی پاسخگویان، طبق داده‌های به دست آمده از میدان، بیشترین فراوانی را، گروه سنی ۲۵-۳۰ سال و کمترین آن را، گروه سنی ۵۱ ساله به بالا تشکیل می‌دهد. بعد از آن به ترتیب گروه‌های سنی ۴۵-۴۱ و ۵۰-۴۶ قرار دارند. برابر این جدول، ۷۵ درصد مشارکت کنندگان در این پژوهش را سنین تا ۳۵ سال بالا به خود اختصاص می‌دهد. در خصوص توزیع سطح سواد نیز ۸/۵ درصد از پاسخگویان از نظر تحصیلی در سطح ابتدایی‌اند. ۲۷/۳ درصد افراد، دارای سواد راهنمایی‌اند، که بیشترین درصد را این گروه به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۲۵/۲ درصد در سطح دبیرستان هستند. ۲۳ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند. ۱۶ درصد نیز در سطح کاردانی به بالا قرار می‌گیرند.

یافته‌های تحقیق

گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها: در تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس آن چه که در بخش روش تحقیق بیان شد، بر اساس اصول و شیوه کار در گراند تئوری به صورت کدگذاری باز، از درون کلیه داده‌های گردآوری شده از میدان، ۲۵۴ داده خام، شامل کلمات، پاراگراف‌ها و جملات، استخراج گردید و در جداولی تنظیم شدند که به دلیل زیاد شدن حجم از آوردن آن‌ها خود داری می‌گردد. بر اساس اصول کدگذاری، از مجموع داده‌های به دست آمده، ۷۶ مفهوم استخراج و با رعایت ضوابط حاکم بر کدگذاری، ۲۷ «خرده مقوله» و ۵ مقوله گسترده از داده‌ها استخراج گردید (جدول ۱). در گام بعدی، در کدگذاری محوری «مقولات» به دست آمده از طریق کدگذاری باز، در پنج الگوی پارادایمیک در نظامی منطقی قرار داده شد و ارتباط آن‌ها با هم مشخص گردید. بر این اساس، پنج مدل پارادایمیک (که در روش شناسی اشاره شد) ساخته شد که در این جا به دلیل حجم مقاله از آوردن مدل‌ها خوداری می‌گردد.

کدگذاری انتخابی: در این جا از تلفیق و توأم کردن مقولات اصلی مدل‌های ساخته شده در کدگذاری محوری یک مدل پارادایمیک تحت عنوان پدیده «محرومیت اجتماعی» ساخته شد و برای شکل‌گیری اولیه چارچوب مدل مورد استفاده قرار گرفت. این موارد پس از روایت داستان و شرح آن به دست آمد که در ادامه بدان اشاره می‌گردد. روایت داستان بر اساس مفاد جدول ۱، و سایر جدوالی که در اصل پژوهش قرار دارد ارائه گردید. در زیر به طور خلاصه به روایت داستان اشاره می‌گردد:

هنگامی که برخورداری از شغل و منابع مالی برای افراد مورد مطالعه به قدری نامناسب است که آنان را از برخورداری از استانداردهای زندگی و کیفیت زندگی مورد قبول محروم می‌کند، از طرفی مواردی مانند فعالیت‌های اقتصادی، بازار کار عدم تأمین نیازهای اساسی، فقدان هر گونه فرصت شغلی از آنان گرفته می‌شود، این افراد از نظر امکاناتی چون منزل، اسباب و اثاثیه منزل، غذا و پوشاک مناسب برخوردار نمی‌شوند. از طرف دیگر، برخی از مردانی که از نظر منابع مالی در رفاه بوده و از درآمد بالایی برخوردارند، زوجین را در تله ای از فقر می‌اندازد. این افراد از نظر منزلت اجتماعی پایین بوده و دوست دارند خود را به سطح سایرین برسانند، از سوی دیگر افرادی که دارای سطح درآمدی بالا هستند نیز با استفاده از این موقعیت خود را به آنان به ویژه زنان نزدیک کرده و از آنان بهره برداری می‌کنند. به طور کلی در یک جمع بندی می‌توان شغل، در آمد، پرستیژ اجتماعی، توزیع منابع و بی قدرتی را از مؤلفه‌های این پدیده بر شمرد.

محرومیت از حضور در جمع: بر همین اساس، زوجین به ویژه زنان مورد مطالعه، توسط خانواده برای حضور در جمع دوستان، همکاران و سایر مراسم دارای محدودیت بوده و به شدت تحت کنترل اند. از سوی دیگر، آنان از شرکت در مراسم متعدد، مشارکت در مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز محدود شده و فاقد فرصت‌های آموزشی هستند. این افراد هم‌چنین از فرصت‌های متعدد بی بهره بوده و فاقد بهره برداری از خدمات بهداشتی و آموزش‌های مرتبط با آن هستند. افراد مورد مطالعه از شبکه روابط خانوادگی، شبکه روابط با دوستان و همکاران، شبکه روابط اجتماعی نیز به دور بوده که این موارد بر عهد شکنی آنان تأثیر گذاشته است.

جدول ۱، مفاهیم، مقولات خرد و مقولات گسترده

مقولات گسترده	مقولات خرد	مفاهیم
بعد مادی محرومیت اجتماعی	محرومیت شغلی	بیکاری
		نارضایتی شغلی
	مشکلات اقتصادی	اختلال در اقتصاد خانواده
		ورشکستگی مالی
		از دست دادن شغل
	درآمد بالا	برخورداری از درآمد بالا
	محرومیت درآمدی	نداشتن درآمد کافی
	عدم تأمین نیازهای اساسی	غذا
		لباس
		مسکن
		وسایل خانگی
	کیفیت زندگی (عدم دسترسی به استانداردهای زندگی)	ماشین و وسیله نقلیه
		نداشتن انگیزه
		عزت نفس
		عدم دسترسی به رفاه عمومی
	نابرابری در توزیع منابع	محرومیت از فرصت های شغلی
		نابرابری در توزیع اشتغال
		نابرابری تحصیلی
	بی قدرتی	بی قدرتی در استفاده از درآمد خانواده
		بی قدرتی در بهره بندی از حقوق شهروندی
		بی قدرتی در استفاده از تحصیلات
		بی قدرتی در انتخاب شغل
		بی قدرتی در انتخاب همسر
		بی قدرتی در دسترسی به سلامت
	پرستیژ اجتماعی	محرومیت از منزلت اجتماعی
محرومیت از شبکه روابط اجتماعی	محرومیت از حضور در اجتماع	محرومیت از حضور در جمع
		محرومیت و کنترل
	فقدان هرگونه فرصت	فقدان فرصت های بهداشتی
		فقدان مشارکت در فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
		فقدان فرصت آموزشی
		فقدان دستیابی به حقوق شهروندی و اجتماعی
		فقدان فرصت های متعدد
	محرومیت از خدمات بهداشتی	محرومیت از خدمات بهداشتی در خانواده
		محرومیت از آموزش بهداشتی
		محرومیت از خدمات بهداشتی در جامعه

ادامه جدول ۱، مفاهیم، مقولات خرد و مقولات گسترده

مفاهیم	مقولات خرد	مقولات گسترده
شبکه روابط خانوادگی	شبکه روابط اجتماعی	ادامه محرومیت از شبکه روابط اجتماعی
شبکه روابط اجتماعی		
شبکه روابط دوستان و همکاران		
عدم رضایت از طرف مقابل	عدم رضایت	
عدم رضایت از ارتباط با اقوام و دوستان		
تغییر نگرش در روابط جنسیتی	تغییر در نگرش‌ها	
تغییر نگرش در سطح در آمد		
تغییر نگرش در سطح تحصیلات		
بی اعتمادی ناشی از بی وفایی	بی اعتمادی	
بی اعتمادی به دلیل تجربه جنسی		
بی اعتمادی به طرف مقابل		
دگرگونی در وسایل ارتباط جمعی و فرصت ها	دگرگونی در روابط اجتماعی	
دگرگونی در حقوق فردی		
دگرگونی در ارزش ها و اعتقادات		
طرد ناشی از رفتار همسر	طرد اجتماعی	محرومیت از مشارکت اجتماعی
طرد ناشی از خیانت		
طرد ناشی از عدم آزادی		
طرد از خانواده		
محرومیت از مشارکت اجتماعی	حقوق شهروندی(حقوق مدنی)	
محرومیت از حقوق مدنی و شهر وندی		
عدم آموزش جنسیتی	عدم آموزش جنسیتی	محرومیت آموزشی
عدم برخورداری از فرصت‌های آموزشی	عدم آگاهی از فضای مجازی	
محرومیت از آموزش شبکه های اجتماعی		
استفاده بیش از حد از فضای مجازی		
پیشرفت شبکه های اجتماعی		
استفاده از شبکه های اجتماعی خلاف هنجار جامعه		
اوقات فراغت	عدم برخورداری از اوقات فراغت	محرومیت از اوقات فراغت
عدم برخورداری از فرصت‌ای تفریحی		

وجود تفاوت‌های جنسیتی در زوجین، به وجود آمدن ارتباطات عاطفی، به وجود آمدن ارتباطات جنسی، ایجاد شدن تعارض‌های جنسیتی در زوجین پس از ازدواج نیز موجب عهد شکنی زوجین می‌گردد. همچنین، به دلیل تغییرات اجتماعی در جامعه برخی از زوجین دچار تغییر در نگرش روابط زناشویی شده که طرف مقابل نتوانسته است خود را به روز نماید و لذا زوج برای دستیابی به آن‌چه می‌خواهد به سمت شخص دیگری رفته است.

تغییر در نگرش نسبت به سطح درآمدی، تحصیلات در زوجین نیز منجر به عهد شکنی شده است، به این صورت که برخی از زوجین خواهان زوج با تحصیلات بالاتر بوده و یا این که خواهان ادامه تحصیل بوده که از طرف زوج (به خصوص مردان نسبت به زنان) منع شده‌اند و همین امر منجر به عهد شکنی شده است.

بی اعتمادی طرفین نسبت به همدیگر به دلایل متعدد: بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از میدان تحقیق این امر به صورت زیر موجب این امر شده است: بی اعتمادی ناشی از بی وفایی، بی اعتمادی ناشی از تجربه جنسی یکی از زوجین یا هردو، بی اعتمادی از طرف مقابل و دگرگونی در روابط اجتماعی.

دگرگونی در روابط اجتماعی: برخی از زوجین نیز به دلیل ایجاد شدن فرصت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره که نصیب آنان گردیده دچار نوعی دگرگونی شده که این امر نظر آنان را نسبت به زندگی فعلی خود تغییر داده است. هم چنین دگرگونی در وسایل ارتباط جمعی موجب ایجاد تغییرات در ذائقه و سبک زندگی یک طرف از طرفین زندگی شده و موجب عدم پایداری و تعادل در زندگی آنان گردیده است. در حقیقت یکی از طرفین یا هردو دچار نوعی محرومیت در این بخش شده‌اند. هم‌چنین، گروه‌ها و شبکه‌ها فرصت‌هایی را برای افرادی که به آن‌ها تعلق دارند فراهم می‌کنند، ولی قشر بندی از پیش موجود را تقویت کرده و مانع تحرک گروه‌های محروم می‌شوند و به پایه‌ای برای ایجاد فساد و تبانی قدرت به واسطه گروه‌های اجتماعی مسلط تبدیل و از مشارکت افراد محروم ممانعت می‌کنند و این محرومیت از مشارکت سبب عدم دستیابی به حقوق شهروندی و خیانت می‌شود.

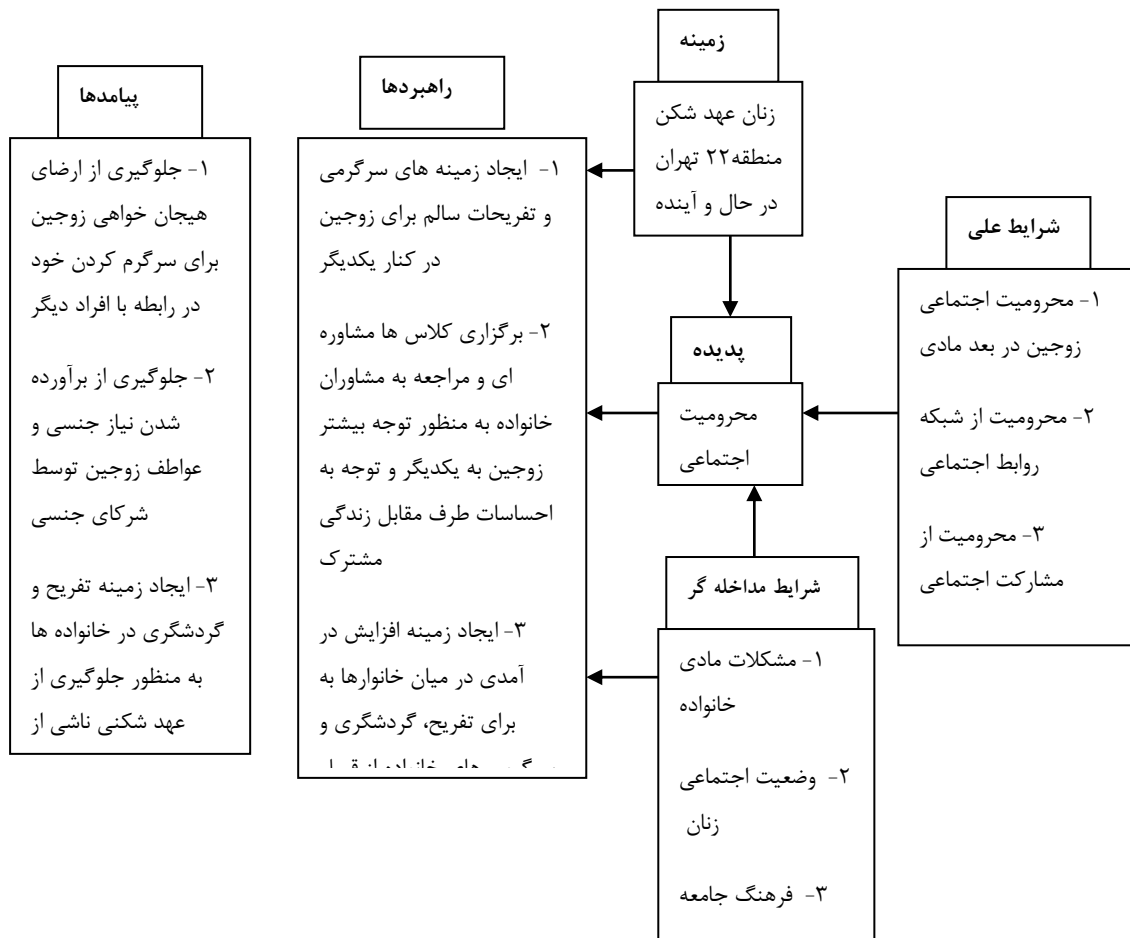
از طرف دیگر، مواردی چون؛ منزوی شدن زنان به دلیل سخت‌گیری شوهران، منزوی شدن مردان به دلیل سخت‌گیری‌های زنان، بی توجهی یکی از زوجین، لو رفتن خیانت زوج خود، دوری از آموزش و تحصیلات، طرد از سوی خانواده‌ها، اجتماع و دوستان و همکاران، و عدم آزادی فردی از مواردی است که در این ارتباط نقش اساسی در طرد ناشی از رفتار همسر، طرد ناشی از خیانت و طرد ناشی از عدم آزادی داشته که همه بر خیانت یکی از زوجین تأثیر گذاشته است.

در طرف دیگر، فقدان آموزش در خصوص روابط جنسی سالم و رضایت‌بخش به زوجین و از طرفی بالا رفتن آگاهی زنان و تغییر نگرش آن‌ها در خصوص روابط جنسی رضایت‌بخش از طریق تعامل با دوستان (تبادل تجربیات)، مشاهده فیلم‌های سکسی و در برخی موارد تجارب قبل از ازدواج، باعث می‌شود که زنان مثل گذشته به مفعول بودن در رابطه جنسی اکتفا نکنند و به دنبال رضایت از این رابطه باشند. عدم آگاهی برخی از همسران در این زمینه و برقراری رابطه جنسی بدون ایجاد آمادگی، موجب عدم ارضاء و دلزدگی زنان از رابطه با شوهرانشان می‌گردد. از طرفی عدم توجه زوج‌ها نسبت به همدیگر موجب افتادن طرفین به درون فضای مجازی گردیده که این امر می‌تواند به منجر شده به رابطه جدیدی در میان طرفین گردد. در واقع بر اساس نتایج تحقیق حاضر زمینه برای وقت‌گذرانی برای زوجین در فضای مجازی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی آماده است و این امر می‌تواند زوجین را به استفاده از مواردی که خلاف هنجار اجتماعی و نیز در مسیر آسان شدن عهد شکنی است، سوق دهد.

هم‌چنین، برخی از زوجین درگیر در روابط خارج از ازدواج به دلیل نداشتن هر گونه سرگرمی و تفریحی از بودن در کنار همسر و پایبندی به او و تحمل محدودیت‌های ازدواج احساس خوشایندی نداشته و به دنبال ارضای هیجان‌خواهی به دنبال سرگرم کردن خود از طریق رابطه با افراد دیگر هستند. و نیز عدم برخورداری از فرصت‌های تفریحی منجر به افتادن در دام کسانی خواهد شد که می‌توانند این گزینه را بر طرف نمایند. مانند آنان که از نظر درآمدی در سطح پایین هستند و برای استفاده از منابع مادی دیگران در امر دستیابی به فرصت‌های تفریحی، خود را در اختیار آنان قرار می‌دهند. هر دو بعد این مطلب در این تحقیق به چشم می‌خورد. یکی از جنبه‌های محرومیت اوقات فراغت، نداشتن تفریح و استراحت در زندگی زناشویی می‌باشد، افراد مورد مطالعه انتظار داشتند که همسرانشان به احساسات و عواطف آن‌ها توجه و شرایط برای تفریح و گردش برایشان فراهم نمایند و توجه بیشتری به آن‌ها داشته باشند. انتظاری که در اکثر آن‌ها برآورده نشده و همواره با بی‌مهری و بی‌اعتنایی همسرانشان مواجه بوده‌اند. این نیاز عمدتاً، توسط شرکای جنسی تأمین و یکی از دلایل گرایش آن‌ها به روابط خارج از ازدواج بوده است.

مقوله هسته‌ای^۹ یا محوری: باعنایت به مفهوم موضوع که تحلیل داده‌های گردآوری شده از میدان پس از تجزیه این داده‌ها از طریق کدگذاری محوری و باز است، و نیز تکرار مقولاتی چون؛ محرومیت در بعد مادی محرومیت اجتماعی، محرومیت از شبکه اجتماعی، محرومیت آموزشی و محرومیت از اوقات فراغت که همه جزئی از محرومیت اجتماعی هستند، « محرومیت اجتماعی» به عنوان « مقوله محوری» انتخاب می‌گردد.

استفاده قرار گرفت. این موارد پس از روایت داستان و شرح آن به دست آمد که در ادامه بدان اشاره می‌گردد.



شکل ۱، مدل پارادایمی در راستای کدگذاری انتخابی داده‌ها - پدیده محرومیت اجتماعی

^۹. Nuclear category

بحث و نتیجه‌گیری

پس جمع‌آوری، تنظیم داده‌های خام گردآوری شده از میدان تحقیق، این داده‌ها تجزیه بر اساس اصول کدگذاری تجزیه و تحلیل گردید. در نتیجه نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل این داده‌ها عناصر و مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی و نقش آن در عهد شکنی زوجین در منطقه ۲۲ تهران استخراج گردید که این نتایج به صورت خلاصه به شرح زیر آورده می‌شود.

بعد مادی محرومیت اجتماعی: عناصر متعددی در زیر مجموعه بعد مادی محرومیت اجتماعی قرار دارد که با جمع بندی آنان، سه شاخص به عنوان عناصر اصلی بعد مادی محرومیت اجتماعی بر عهد شکنی زوجین در افراد متقاضی طلاق در منطقه ۲۲ تهران شناسایی گردید که عبارتند: محرومیت‌های شغلی، درآمدی، پرستیژ اجتماعی که بر عهد شکنی زوجین تأثیر می‌گذارد.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که زنان فقیر برای دستیابی به زندگی بهتر و نیز برخی زنان به منظور رساندن خود به سطح درآمدی، پرستیژ اجتماعی و غیره در اجتماع به سمت مردانی که دارای درآمد بالا بوده سوق پیدا کرده و این امر موجب شده که عهد شکنی در زوجین به وجود بیاید. از سوی دیگر، بی‌قدرتی زنان در امور متعدد از جمله استفاده از درآمد خانوار برای برطرف کردن نیازمندی‌های خود، و نیز بی‌قدرتی در ارتباط با استفاده از حقوق شهروندی، تحصیلات عالی، ادامه تحصیل، در انتخاب شوهر (همچنین بی‌قدرتی مردان در انتخاب همسر خود) و ... موجب گردیده که زنان و در مواردی مردان بعد از ازدواج دچار نوعی سرخوردگی شده و برای نجات خود از این وضعیت و به دست آوردن قدرت اقدام به عهد شکنی بنمایند.

محرومیت از شبکه روابط اجتماعی: زوجین به ویژه زنان مورد مطالعه، توسط خانواده برای حضور در جمع دوستان، همکاران و سایر مراسم دارای محدودیت بوده و به شدت تحت کنترل اند. از سوی دیگر، آنان از شرکت در مراسم متعدد، مشارکت در مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز محدود شده و فاقد فرصت‌های آموزشی هستند. این افراد همچنین از فرصت‌های متعدد بی‌بهره بوده و فاقد بهره‌برداری از خدمات بهداشتی و آموزش‌های مرتبط با آن هستند.

از جمله دیگر مقوله‌های تأثیر گذار بر عهد شکنی زنان می‌توان به عدم رضایت، تغییر در نگرش‌ها، بی‌اعتمادی و دگرگونی در روابط اجتماعی اشاره کرد. برخی از افراد قبل از ازدواج شناخت کافی نسبت به زوج خود نداشته ضمن این‌که برخی نیز شوهر فعلی خود را تحمیلی از سوی خانواده می‌دانند. آنان ضمن بیان عدم آزادی در انتخاب زوج خود، معتقدند که این امر موجب رنجش از زندگی و عدم رضایت خاطر آنان شده است. آنان همچنین بیان کرده‌اند که نقاط جنسی طرف مقابل مورد رضایت آنان در امر زناشویی شده که به دلیل عدم آشنایی آنان قبل از ازدواج است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که زوجین از وضعیت ظاهری طرف مقابل راضی نبوده و از نحوه مقاربت نیز خشنود نیستند. این زنان بیان کرده که از مقاربت با شوهران خود به دلیل نزدیکی از راه غیر طبیعی راضی نبوده و لذا برای ارضای خود به سمت دیگران رفته‌اند. از طرفی مقایسه خود با اقوام و دوستان برای برخی از زنان موجب بالا رفتن توقع آنان شده است که این امر موجب می‌شود که برای پر کردن این خلأ به سمت فرد دیگری سوق پیدا کنند.

یکی دیگر از عوامل در این بخش، تغییر نگرش در روابط جنسی زنان است. وجود تفاوت‌های جنسیتی در زوجین، به وجود آمدن ارتباطات عاطفی، به وجود آمدن ارتباطات جنسی، ایجاد شدن تعارض‌های جنسیتی در زوجین پس از ازدواج نیز موجب عهد شکنی زنان گردیده است. هم‌چنین به دلیل تغییرات اجتماعی در جامعه برخی از زنان دچار تغییر در نگرش

^۱: The material dimension of social deprivation

روابط زناشویی شده که طرف مقابل نتوانسته است خود را به روز نماید و لذا زوج برای دستیابی به آن چه می‌خواهد به سمت شخص دیگری رفته است. تغییر در نگرش نسبت به سطح درآمدی، تحصیلات نیز در افراد مورد مطالعه منجر به عهد شکنی شده است، به این صورت که برخی از زنان خواهان زوج با تحصیلات بالاتر بوده و یا این که خواهان ادامه تحصیل بوده که از طرف زوج (مردان) منع شده اند و همین امر منجر به عهد شکنی شده است.

بی اعتمادی طرفین نسبت به همدیگر به دلایل متعدد بر عهد شکنی زنان تأثیر گذاشته است. بی اعتمادی ناشی از بی وفایی به این صورت بوده که مرد خانواده در امر زناشویی و عدم تعهد به ازدواج به این امر تن داده اند. همچنین، برخی از زوجین دارای تجربه جنسی قبل از ازدواج بوده که با عیان شدن این امر موجب بدبینی و بی اعتمادی طرف دیگر شده است. از سوی دیگر برخی از مردان نسبت به زوج خود در امر زناشویی نسبت به برآورده کردن نیازهای همسر خود کوتاهی کرده که این امر موجب بدبینی همسر خود شده و این شک ایجاد شده که نکند همسر در جای دیگری نیازهای خود را برآورده می‌کند.

برخی از مردان نیز به دلیل ایجاد شدن فرصت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره که نصیب آنان گردیده دچار نوعی دگرگونی شده که این امر نظر آنان را نسبت به زندگی فعلی خود تغییر داده است. همچنین دگرگونی در وسایل ارتباط جمعی موجب ایجاد تغییرات در ذائقه و سبک زندگی یک طرف از طرفین زندگی شده و موجب عدم پایداری و تعادل در زندگی آنان گردیده است. در حقیقت یکی از طرفین یا هر دو دچار نوعی محرومیت در این بخش شده‌اند.

محرومیت از مشارکت اجتماعی:^{۱۱} نابرابری جنسیتی در سطوح مختلف روابط مردان و زنان در خانواده، اجتماعات محلی و دولت‌ها وجود دارد. از این طریق قدرت اقتصادی شکل می‌گیرد که طی آن قدرت زنان کاهش یا افزایش خواهد یافت. نابرابری در سطوح مختلف وجود دارد و همین محرومیت‌ها باعث منزوی شدن افراد و عهد شکنی زوجین به خصوص زنان می‌شود. گروه‌ها و شبکه‌ها فرصت‌هایی را برای افرادی که به آن‌ها تعلق دارند، فراهم می‌کنند، ولی قشر بندی از پیش موجود را تقویت کرده و مانع تحرک گروه‌های محروم می‌شوند و به پایه‌ای برای ایجاد فساد و تبانی قدرت به واسطه گروه‌های اجتماعی مسلط تبدیل و از مشارکت افراد محروم ممانعت می‌کنند و این محرومیت از مشارکت سبب عدم دستیابی به حقوق شهروندی و خیانت می‌شود.

همچنین، مواردی چون؛ منزوی شدن زنان به دلیل سخت‌گیری شوهران، منزوی شدن زنان به دلیل بی توجهی مرد خانواده، لو رفتن خیانت زوج خود، دوری از آموزش و تحصیلات، طرد از سوی خانواده‌ها، اجتماع و دوستان و همکاران، و عدم آزادی فردی از مواردی است که در این ارتباط نقش اساسی در طرد ناشی از رفتار همسر، طرد ناشی از خیانت و طرد ناشی از عدم آزادی داشته که همه بر خیانت زنان تأثیر گذاشته است. بنابراین، این موارد منجر به محرومیت فرد از مشارکت اجتماعی می‌گردد که مشارکت اجتماعی نیز بر خیانت زنان تأثیر می‌گذارد.

محرومیت آموزشی:^{۱۲} نتایج حاصله از تجربه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از میدان تحقیق نشان می‌دهد که فقدان آموزش در خصوص روابط جنسی سالم و رضایت‌بخش به زوجین و از طرفی بالا رفتن آگاهی زنان و تغییر نگرش آن‌ها در خصوص روابط جنسی رضایت‌بخش از طریق تعامل با دوستان (تبادل تجربیات)، مشاهده فیلم‌های سکسی، رفتن به سمت شبکه‌های اجتماعی مجازی و در برخی موارد تجارب قبل از ازدواج، باعث شده که زنان مثل گذشته به مفعول بودن در رابطه جنسی اکتفا نکنند و به دنبال رضایت از این رابطه باشند. عدم آگاهی برخی از شوهران زنان مورد مطالعه در این زمینه و

^{۱۱} Exclusion from social participation

^{۱۲} Educational deprivation

برقراری رابطه جنسی بدون ایجاد آمادگی، موجب عدم ارضاء و دلزدگی زنان از رابطه با شوهرانشان گردیده است. از طرفی عدم توجه زوجها نسبت به همدیگر موجب افتادن طرفین به درون فضای مجازی گردیده که این امر موجب منجر شدن به رابطه جدیدی در میان طرفین گردیده است.

محرومیت اوقات فراغت:^{۱۲} برخی از زنان درگیر در روابط خارج از ازدواج به دلیل نداشتن هر گونه سرگرمی و تفریح و اوقات فراغت، از بودن در کنار همسر و پایبندی به او و تحمل محدودیت های ازدواج احساس خوشایندی نداشته و به دنبال ارضای هیجان خواهی به دنبال سرگرم کردن خود از طریق رابطه با افراد دیگر هستند. همچنین عدم برخورداری از فرصت های تفریحی منجر به افتادن در دام کسانی خواهد شد که می توانند این گزینه را بر طرف نمایند. مانند آنان که از نظر در آمدی در سطح پایین هستند و برای استفاده از منابع مادی دیگران در امر دستیابی به فرصت های تفریحی، خود را در اختیار آنان قرار می دهند. هر دو بعد این مطلب در این تحقیق به چشم می خورد. افراد مورد مطالعه انتظار داشتند که همسران شان به احساسات و عواطف آنها توجه و شرایط برای تفریح و گردش برایشان فراهم نمایند و توجه بیشتری به آنها داشته باشند. انتظاری که در اکثر آنها برآورده نشده و همواره با بی مهری و بی اعتنائی همسران شان مواجه بوده اند. این نیاز عمده، توسط شرکای جنسی تأمین و یکی از دلایل گرایش آنها به روابط خارج از ازدواج بوده است. بنابراین، مقولات و عناصر متعدد در پنج مقوله گسترده که ابعاد محرومیت اجتماعی را تشکیل می دهد، بر عهد شکنی زنان در منطقه ۲۲ تهران تأثیر می گذارند. به تعبیر دیگری این امر تأثیر محرومیت اجتماعی را بر عهد شکنی زوجین در منطقه ۲۲ تهران نشان می دهد.

مقایسه نتیجه با ادبیات موجود

مطالعه فرهمند و فروزنده مقدم [۵] در خصوص محرومیت اجتماعی در شش بعد محرومیت از ازدواج، محرومیت از شبکه روابط اجتماعی، محرومیت از مشارکت اجتماعی، محرومیت آموزشی، محرومیت اوقات فراغت، و محرومیت فکری، با این مطالعه همخوانی دارد.

همچنین نتایج پژوهش در تاج و همکاران [۸] که بیان کرده اند، بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با خیانت زناشویی در دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد. با بخش محرومیت از شبکه های اجتماعی این مطالعه همپوشانی دارد. نتیجه خزان و وثوقی [۹] یعنی این که میان متغیرهای مردسالاری در خانواده و احساس محرومیت نسبی زنان، متغیرهای مردسالاری در خانواده و احساس بیگانگی زنان از خود، مردسالاری در خانواده و احساس بیگانگی از زندگی زناشویی در زنان رابطه معنی داری وجود دارد، با این مطالعه همپوشانی دارد. فتحی و همکاران [۱۳] در پژوهشی در جهت پیشگیری و کاهش بی وفایی زناشویی و استحکام خانواده ها عوامل زمینه ساز بی وفایی مردان را مشکلات جنسی و عاطفی در روابط زناشویی، تنوع طلبی، هیجان خواهی، اثبات مردانگی، تجارب رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج، ازدواج موقت، تأثیر ماهواره و... شناسایی کرده بیان کرده اند میزان بی وفایی زناشویی در ده سال اول ازدواج اتفاق افتاده است و مشاغلی که ارتباط زیادی با جنس مخالف دارند بیشتر است. این مطالعه نیز با مطالعه حاضر در بخش استفاده از شبکه های اجتماعی و تأثیر آن در عهدشکنی زوجین مطابقت وجود دارد.

^{۱۲} Leisure exclusion

منابع

- [۱] غفاری، غلامرضا؛ تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۸۳)، شناسایی مولفه‌های محرومیت اجتماعی، فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- [۲] شعاع کاظمی، مهرانگیر؛ جهانگیری، محمد مهدی و آخوندیان، فرزانه (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای رابطه بین استرس زناشویی و سردم‌زاجی زنان شاغل و غیر شاغل در رده‌های سنی ۴۰ - ۴۵ و ۲۰ - ۲۵ سال. مجله علمی - پژوهشی مطالعات روان شناختی، دوره هفتم، شماره ۴، ۷۵-۸۶.
- [3] Byers, E. S. (2005). Relationship satisfaction and sexual satisfaction: A longitudinal study of individuals in long-term relationships. *The Journal of Sex Research*, 42, 113-118.
- [۴] صالح‌آبادی، لیلا (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر روابط فرازناشویی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره مناطق شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- [5] whitson, S., & El-Sheikh, M. (2014). Marital conflict and health: Processes and protective factors. *Aggression and Violent Behavior*, 8(3), 283-312.
- [6] Mao A, et al. Online infidelity: The new challenges to marriages. *Indian Journal of Psychiatry*. 2009;51:302.
- [۷] فرهمند، مهناز و فروزنده مقدم، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی محرومیت اجتماعی دختران روستایی زایل و عوامل مرتبط با آن. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱۱، شماره ۲.
- [۸] درتاج، فریبا؛ رجبیان ده ریزه، مریم؛ فتح‌اللهی، فیروزه و درتاج، فتانه (۱۳۹۶). رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با احساس تنهایی و خیانت زناشویی در دانشجویان. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، سال سیزدهم، شماره چهل و هفتم.
- [۹] خزان، نگار و وثوقی، منصور (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی تأثیرات مردسالاری بر احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی زنان از خود از زندگی زناشویی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره هفتم، شماره ۱.
- [۱۰] حبیبی عسگر آباد، مجتبی و حاجی حیدری، زهرا (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه کننده به دادگاه خانواده: یک مطالعه کیفی. خانواده پژوهی، سال یازدهم، شماره ۴۲.
- [۱۱] جمع آور، مهدیه؛ وزیری، سعید و کمال زارچی، محمود (۱۳۹۴). بررسی رابطه طرحواره ناسازگاری محرومیت عاطفی با نوازشگری در زنان دانشگاه آزاد شهر یزد. اولین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم تربیتی.
- [۱۲] اشتری مهرجردی ابادر؛ حسین پورمطلق، مهدی و حاتمی مقدم، زهره (۱۳۹۳). بررسی وضعیت محرومیت اجتماعی در میان جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر تهران. مجله مطالعات جامعه‌شناختی دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۱۲.
- [۱۳] فتحی، منصور؛ فکر آزاد، حسین؛ غفاری، غلامرضا و بوالهیری، جعفر (۱۳۹۲). شناسایی عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی مردان. رفاه اجتماعی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، ۱۳۱-۱۰۹.
- [۱۴] یوسفی، جلال و یوسفی، محمد مهدی (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی بحران منابع طبیعی در ایران «تلفیق دانش بومی و نوین در مدیریت مشارکتی بهره‌برداری از مراتع». تهران: انتشارات تاریخ نگاران.
- [15] Glaser, B. G. & Strauss, L. (1997). *The Discovery of Grounded theory: Strategies For Qualitative Research*. Chicago, Aldine publishing Company.